

عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی

جواد علی اکبر پور^۱

محمود علمی^۲

صمد عابدینی^۳

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه برخی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به دموکراسی بود. نوع پژوهش، کاربردی، روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. اعتبار ابزار اندازه گیری از طریق اعتبار صوری و پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین شد. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۱۲ دانشکده دارای ۹۷۶۰ دانشجو بود. نمونه آماری، با استفاده از فرمول کوکران ۱۷۴ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری، روش تصادفی طبقه ای متناسب با حجم جامعه بود. با توجه به اطلاعات به دست آمده، بین گرایش به استفاده از رسانه های اجتماعی، سرمایه فرهنگی و گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان دختر همبستگی مثبت وجود داشت. میانگین گرایش به دموکراسی بر حسب نوع پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مقطع تحصیلی یکسان بدست آمد. نیز گرایش به دموکراسی برای دو گروه مجرد و متأهل متفاوت بود. میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان مجرد اندکی بیش از دانشجویان متأهل بود. ضرورت دارد بسترهایی برای ایجاد و گسترش سازمان های مدنی و مردم نهاد به منظور مشارکت دانشجویان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی فراهم گردد.

واژگان کلیدی: گرایش به دموکراسی، سرمایه فرهنگی، نوع پایگاه اجتماعی - اقتصادی، دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

۱. گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه جامعه شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) elmim@iaut.ac.ir

۳. گروه جامعه شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

مقدمه

مقوله دموکراسی قرن ها مورد بحث اندیشمندان سیاسی در یونان باستان و روم، و نیز در قرن های هجدهم و نوزدهم میلادی و بویژه در قرن بیستم و بیست و یکم بوده است. از دهه ۱۹۵۰ که به طور عمده نهضت های استقلال طلبی در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا برای رهایی از نوع حکومت های غیر دموکراتیک و مستبد آغاز گردید، کوشش برای تاسیس نظام های دموکراتیک موفقیت آمیز نبوده است و بعضا به دیکتاتوری انجامیده است. گرچه تحقق دموکراسی مستلزم ایجاد شرایط لازم است اما تلاش برای گسترش نظام های دموکراتیک، مردم سالار، مشارکت جو و با ثبات در قرن بیست و یکم با جدیت همچنان ادامه دارد. بسیاری از نظریه پردازان معتقدند تجربه دموکراسی در سطح اجتماعی نتایج تاثیر گذار و مهمی بر گرایش به دموکراسی در سطح رسمی و سیاسی دارد. تمرکز تحلیل این نظریه پردازان از دولت به سمت جامعه و فرهنگ تغییر یافته است. از نظر آنان گرایش به دموکراسی وابسته به میزان جامعه پذیری افراد و فضاهای متفاوتی درون جامعه و حتی خانواده هاست (17). همانگونه که مانهایم می گوید تلاش نظریه پردازان از دموکراتیک کردن سیاست به سمت دموکراتیک شدن بستر فرهنگی و اجتماعی آن تغییر جهت یافته است (27). جامعه برای گرایش شهروندان به دموکراسی و تحقق آن، القا و ریشه دار کردن پاره ای از عقاید اجتماعی به جامعه پذیری نیاز دارد. جامعه پذیری سیاسی جامعه پذیری سیاسی یعنی انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر و یا شکل گیری ایستارها و هنجارهای سیاسی فرد. بی تردید یکی از مهمترین کارویژه های دولتهای مدرن در درون یک کشورو تلاش در جهت حفظ و سپس انتقال و گسترش ارزش های سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی به نسل های بعدی می باشد (26) که بوسیله آن افراد در جامعه ای معین با نظام سیاسی آشنا می شوند و تا اندازه قابل توجهی ادراک شان از سیاست و واکنش هایشان نسبت به پدیده های سیاسی تعیین می شود (29). با توجه به اهمیت گرایش به دموکراسی و مشارکت سیاسی در حیات فرد و جامعه، پرداختن به این مقوله ضرورت دارد. در این میان پرداختن به گرایش به دموکراسی جوانان و نوجوانان و مشارکت سیاسی آنان در ایران اهمیتی دو چندان دارد. جامعه ایران جامعه جوان است. این گروه به عنوان یکی از گروه های جمعیتی اثر گذار در جوامع در حال توسعه محسوب می شوند که نوع رفتار و میزان مشارکت آنان در عرصه سیاست گاه می تواند تعیین کننده ثبات و نهادمندی یک نظام سیاسی و گاه عامل اصلی تخریب نهاد سیاسی موجود، بی ثباتی فراگیر و حتی تحول انقلابی جامعه باشد و در صورت عدم مشارکت، مشروعیت نظام را خدشه دار سازد. لذا شناخت عوامل موثر بر گرایش جوانان به دموکراسی و همچنین عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی آنان بسیار مهم و ضروری است. در تاریخ ایران زمینه های شکل گیری دموکراسی با موانع سختی روبرو بوده است. یکی از دلایل مهم آن نبودن زمینه های فرهنگی و اجتماعی این مسئله است. یکی از چالش های

اساسی دموکراسی در جوامع چند فرهنگی مربوط به جامعه پذیری سیاسی آن از طرف عوامل آن می باشد. با اینکه بیش از یک قرن است اندیشه های دموکراسی خواهانه به ذهن ایرانیان رسوخ کرده، لیکن تحکیم دموکراتیک با مشکل روبرو شده است و شاهد بازگشت یا بازتولید عناصری از اقتدار گرایی هستیم. یعنی میان نظام سیاسی ایران، اهداف، تلاش ها و کنش های سیاسی و تئوری دموکراسی ناسازگاری مشاهده می شود (1). در کشورمان دستیابی به آزادی یکی از خواسته های مردم در یکصد سال اخیر بوده است و حرکت ها و جنبش های چندی را موجب شده است. اما چنین حرکت هایی همواره به علت موانع داخلی و خارجی ناکام مانده است. بهترین حرکت های آزادی خواهانه مردم به این ترتیب قابل ذکرند: جنبش مشروطه در سال ۱۲۸۸، ظهور دولت مصدق در دهه ۱۳۳۰ و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (10). امروزه جوامع به سمت مردم سالاری در حرکت است و حضور قشر آگاه و تحصیل کرده در فعالیت های سیاسی یکی از ویژگی های جوامع دموکراتیک است. هر چند در ایران فعالیت سیاسی دانشجویان سابقه طولانی ندارد و به دوران بعد از مشروطه بر میگردد لیکن امروزه تحت تاثیر جوامع دموکراتیک منش، دموکراسی یکی از مهم ترین و اساسی ترین مطالبات دانشجویی کشور است. فعالیت های سیاسی در دانشگاه ها همواره یکی از مهم ترین مقوله های مطرح به هنگام بحث از ارتباط جامعه و دانشگاه و تاثیر متقابل آنها بوده است. جنبش دانشجویی از دهه ۱۹۶۰ به بعد در کلیه مناطق جهان نقش سرنوشت سازی را در تحولات سیاسی - اجتماعی جوامع ایفا نموده است و اغلب به عنوان پیشتاز نیرو ها و کارگزاران تغییر و تحول تلقی شده است. هابرماس از دانشجویان به عنوان یکی از منابع مهم روشنگری یاد می کند. به نظر وی، دانشجویان از آنجا که مستقیماً تحت تاثیر گروه های ذینفع اقتصادی قرار ندارند، می توانند وظیفه مهم جبران سرکوب نظرات انتقادی به وسیله مطبوعات، احزاب سیاسی و حکومت را ایفا نمایند (20). در کشورمان، بر اساس تازه ترین آمار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، جمعیت دانشجویی کشور به ۳ میلیون و ۶۱۶ هزار و ۱۱۴ نفر رسیده است که از این تعداد استان آذربایجان شرقی با ۲۱۰ هزار نفر دانشجو در رتبه ششم کشور قرار دارد. دانشگاه آزاد اسلامی استان آذربایجان شرقی با ۲۳ واحد و ۱۲ مرکز دانشگاهی، ۱۴ آموزشسکده سما پذیرای تعداد ۵۳ هزار نفر دانشجو در ۲۱۷۰ رشته محل می باشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۲۰۱۰۰ هزار دانشجو و ۱۲۰۰ نفر هیئت علمی یکی از دانشگاه های معتبر استان آذربایجان شرقی و شمال غرب کشور به شمار می رود. این دانشگاه یکی از معتبرترین دانشگاه های ایران و در رده بندی های جهانی دانشگاهی جزء سه دانشگاه آزاد برتر ایران شناخته شده و قرار دارد. بر اساس مطالب فوق و همچنین نظر به ظرفیت بیش از ۲۰ هزار نفری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز برآن شدیم تا به مطالعه و بررسی میزان گرایش دانشجویان آن دانشگاه به دموکراسی و عوامل اجتماعی مرتبط به آن بپردازیم. با

توجه به نقش موثر و کلیدی دانشگاه و دانشجویان در تحولات سیاسی جامعه و فراز و نشیب هایی که در دهه اخیر در میزان گرایش دانشجویان و مشارکت آنها در این تحولات بوجود آمده است، شناسایی و تعیین عوامل موثر بر میزان گرایش دانشجویان به دموکراسی و مشارکت آنها در امور سیاسی کشور به عنوان یکی از مهم ترین قشر های تاثیر گذار بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه حائز اهمیت فراوانی می باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به دموکراسی می باشد و قصد دارد به دو سؤال اصلی در زمینه گرایش به دموکراسی پاسخ دهد:

- ۱- میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز چقدر است؟
 - ۲- چه ارتباطی بین گرایش به دموکراسی و عوامل اجتماعی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز وجود دارد؟
- نظریه های دموکراسی
- در دموکراسی فرض بر این است که مردم نه به حکم ترس و اجبار، بلکه از روی رضایت از حکومت پیروی می کنند و ساز و کار هایی برای تضمین این رضایت وجود دارد (5).
- دموکراسی نظامی است مبتنی بر آراء و افکار عمومی که حکومت پیوسته باید در مقابل مردم احساس مسئولیت کند.
- حکومت باید منشا دموکراتیک خود را تجدید کند.
- مشارکت فعالانه و همگانی شهروندان در عرصه سیاست و زندگی مدنی را تامین کند.
- از حقوق انسانی همه شهروندان پاسداری کند.
- حکومت، قانون و اعمال بی طرفانه قوانین و فرایندهای آن را در قبال شهروندان به طور برابر تضمین کند.
- دموکراسی نظامی مبتنی بر قانون است نه حکومت فرد. این وجه از دموکراسی، یعنی حکومت قانون، به حقوق شهروندی و تداوم نظم اجتماعی منجر می شود و علاوه بر این، حد و حدود حکومت را معین می سازد.
- ضرورت وجود فرهنگ دموکراتیک نیز لازمه استقرار و تداوم دموکراسی است. از آنجا که دموکراسی آفریده انسان های دموکراتیک است، تنها هنگامی تحقق پذیر است که از پایگاه گسترده در میان مردم برخوردار باشد (11).

توماس اکویناس

او معتقد بود اگر چه انسانها مخلوقات معقولی هستند، اما برای هدایت رفتار اجتماعی نمی توانند فقط به عقل متکی باشند. انسان تنها و منزوی ممکن است بنا به عقل خود بر خود حکم

براند، اما وقتی وارد جامعه شود همیشه به طور معقول عمل می کند. همیشه انسانها فقط در پیشگاه خداوند برابرند اما در داشتن استعداد برای عقل برابر نیستند. او می گفت تعیین نظام حکومت با مردم است و بهترین حکومت، پادشاهی محدود یا ترکیبی از پادشاهی آریستوکرات ها می باشد. اکویناس معتقد است که به همه مردم، سهمی در حکومت داده شود و اقتدار فرمانروایان باید محدود یا معتدل باشد (2).

نیکولاس ماکیاولی

ماکیاولی به طور کلی بر این عقیده بود که فقط یک حکومت آزاد در اوضاع و احوال سیاسی موجود اگر غیر ممکن نباشد بسیار دشوار است. لذا نیاز به وجود مستبدی کاردان بود تا نظم و هماهنگی را بوجود آورد. دولت آزاد به دولت عمیقا توسعه طلب وابسته است که شرایط موجودیت خویش را تامین نماید. دولت خوب در درجه اول و بیش از هر چیز دولتی برخوردار از امنیت و با ثبات است. به عبارت دیگر ماکیاولی بیشتر به مشارکت سیاسی در امور عمومی در مفهوم گسترده آن اعتقاد داشت تا مداخله ساده ثروتمندان و یا اشراف (19).

کارل مارکس

به نظر مارکس جامعه سرمایه داری به شدت طبقاتی و طبق تحلیلی او بهره کشی، ویژگی اصلی و لازمه چنین نظامی است. تا زمانی که نظام سرمایه داری وجود دارد دولت ناچار ابزار قهری است در دست نیرو هایی که سعی دارند قدرت را برای استثمار طبقات دیگر مورد استفاده قرار بگیرند. مارکس معتقد بود برای بر اندازی نظام طبقاتی و آزادی بشر باید طبقه استثمار شده دارای آگاهی سیاسی باشند. مارکس اصطلاح دیکتاتوری را برای هر دو نظام به کار می برد و دیکتاتوری پرولتاریا به جای دیکتاتوری سرمایه داری بر مسند قدرت می نشیند و تا زمان تبدیل جامعه سرمایه داری به سوسیالیستی بر این مسند خواهد ماند. مارکس این دوره حاکمیت پرولتری را دموکراسی می نامد. مارکس در سال ۱۸۴۸ در مانفیست کمونیست نوشت "نخستین گام در انقلاب گری، ارتقاء پرولتاریا به موقعیت طبقه حاکم برای پیروزی در نبرد دموکراسی است. دموکراسی برای مارکس حاکمیت طبقاتی است با این تفاوت که نیت اصلی چنین حاکمیتی ایجاد جامعه بدون طبقه و در نتیجه خاتمه دادن به عصر حاکمیت طبقاتی است. هدف آن انسانی کردن شرایط زندگی افراد بشر است (28).

پیر بوردیو

گرایش به دموکراسی طبق چارچوب تئوریک بوردیو مانند سایر گرایش های فرد به مثابه بخشی از منش افراد و متاثر از جایگاه آنان در فضای اجتماعی تبیین می شود. از نظر بوردیو انسان ها همواره در فضای اجتماعی چند بعدی قرار دارند که عمدتا بر مبنای موقعیت و طبقه

اجتماعی شان تعریف شده است. اما طبقه اجتماعی که بورديو در نظر دارد صرفاً مبنای مارکسیستی ندارد، بلکه با دسترسی فرد به منابع گوناگون نظیر شغل، سن، جنسیت، وضعیت تحصیلات، میزان آشنایی و آگاهی از امور فرهنگی تعریف می شود. طبقات با ساختار روابط میان همه این خصوصیات ذی ربط و نه فقط با تاکید بر یکی از آنها دسته بندی می شوند (7).

گابریل آلموند

آلموند و همکارانش پس از تحقیقات فراوان در چند کشور اروپایی نتیجه گرفتند، آنچه که برای یک نظام سیاسی اهمیت دارد، کارکرد حفظ و نگه داری الگوی جامعه یا انتقال ارزش ها، هنجارها و ایستارها از نسلی به نسل دیگر است. آلموند نظریه خود را تحت عنوان فرهنگ سیاسی در قالب رویکرد سیستمی مطرح کرد. از نظر او، تمام نظام های سیاسی برای ادامه حیات و ثبات خود ناگزیرند، در محیط خود به هشت کارکرد بپردازند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- کارکرد جامعه پذیری، شامل انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسلی دیگر و انتشار فرهنگ جدید سیاسی

۲- کارکرد گزینش سیاسی، شامل انتخاب و آموزش مدیران

۳- کارکرد تبیین منافع، شامل شناساس تقاضاها و انتقال آنها از جامعه به تصمیم گیرندگان

۴- کارکرد تجمع منافع، شامل تصفیة و تثبیت تقاضا به صورت بار قابل اداره روی نظام سیاسی

۵- کارکرد ارتباطات سیاسی، شامل تبادل پیامها در میان عناصر یک نظام سیاسی و محیط آن (30)

سیدنی وربا

بنظر آنها در طول تاریخ در نظام کشورهای جهان سوم نوعی فرهنگ پدید آمده که مانع از پیشرفت و توسعه سیاسی می شود. به نظر آنها می توان با بهره گیری از مکانیسم هایی چون بالا بردن سطح سواد و توزیع مجدد ثروت به تدریج آثار سوء را از میان برد تا افراد برای پذیرش مسئولیت ها و ایفای نقش سیاسی جدید و نیز وارد کردن در فرایند تصمیم گیری آماده ساخت. (34). از نظر آلموند و وربا سه عامل منابع (شامل پول و مهارت های سازمانی)، عوامل روانی فعالیت سیاسی (علاقه به سیاست و دانش سیاسی) و شبکه عضو گیری (عضویت در سازمان های داوطلبانه و محل کار) فعالیت سیاسی را تسهیل می کند. همچنین آنها ضمن تاکید به تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در خصوص اثرات پایگاه اقتصادی - اجتماعی به مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می دارند. بیشتر پژوهش های صورت گرفته نشان می دهند که شهروندان تحصیل کرده و ثروتمند و بهره مند از مهارت

های حرفه ای بیشتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. در نتیجه این بررسی ها، شهروندان مرفه تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه در سیاست فعال ترند (16).

ساموئل هانتینگتون

طبق نظریه هانتینگتون، فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از دو طریق مجزا می تواند به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد، یکی از این مجراها، تحرک اجتماعی است. به نظر هانتینگتون، دگرگونی های اجتماعی، شهر نشینی، بالا رفتن سطح سواد، آموزش، صنعتی شدن، توسعه وسایل ارتباط جمعی، دامنه آگاهی سیاسی را افزایش می دهد و خواسته های سیاسی را چند برابر می سازد و پهنه اشتراک سیاسی را وسعت می سازد (21).

جورج هومنز

یکی از نظریه های جامعه شناسی که می تواند گرایش به دموکراسی را تبیین کند، نظریه مبادله هومنز است. هومنز معتقد است هر رفتاری که پاداش بیشتری را برای فرد به دنبال داشته باشد یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست، احتمالاً وقوعش بیشتر است زیرا فرد از یک سو در جستجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی پائین ترین هزینه هاست (35).

پیشینه تحقیق

ذوالفقاری و همکاران (36) در پژوهشی با عنوان «تأثیر جایگاه افراد در فضای اجتماعی بر روی گرایش آنها به ارزش های دموکراتیک در ارتباط با جوانان ۸۱-۹۳ ساکن تهران» انجام داده است که نتیجه تحقیقات نشان می دهد با بالا رفتن سن و سطح تحصیلات گرایش به ارزش های دموکراتیک بیشتر می شود. اله دادی و همکاران (3) در پژوهشی با عنوان «رابطه عوامل اجتماعی- فرهنگی و باور پذیری مردم سالاری» به این نتیجه رسیدند که بین جنسیت و باور پذیری مردم سالاری رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که باور پذیری مردم سالاری با ساخت خانواده، تقدیرگرایی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و اعتیاد اجتماعی رابطه مستقیم دارد. فاضلی و کلانتری (14) در پژوهشی تحت عنوان «ارزش های دموکراتیک نسل ها» که در شهر ساری انجام گردید، نمونه خود را مشتمل بر سه نسل انتخاب نمودند؛ نسل اول افراد ۴۴-۹۳ سال، نسل دوم افراد ۳۳-۴۳ ساله و نسل سوم افراد بالای ۳۳ سال. پژوهشگران سه ارزش دموکراتیک شامل تساهل و مدارا، آزادی و مشارکت سیاسی را بین این سه نسل سنجیدند و به این نتایج دست یافتند که تمایل به ارزش های دموکراتیک در هر سه نسل زیاد است و به این لحاظ می توان در فرضیه ثبات ارزش های

سیاسی نسل‌ها تردید داشت. عبدالهی و دیگری (1) در پیمایشی تحت عنوان « هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران » با استفاده از پرسشنامه در بین اعضای شش قوم آذری، بلوچ، عرب، فارس، کرد و لر تحقیقی انجام داده است. نتایج تحقیق حاکی از نگرش مثبت یا نسبتاً مثبت به دموکراسی است. علاوه بر این نتایج حاصل بیانگر تأثیر مثبت و معنادار هویت جمعی بر نگرش به دموکراسی است (37). ایمان و مقدس (23) در مقاله‌ای با عنوان عوامل موثر در مشارکت سیاسی جوانان در شیراز در یافته‌اند که کارایی سیاسی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، درآمد و شغل، تحصیلات، اعتماد و آگاهی سیاسی، جنسیت و اعتقادات مذهبی از جمله عوامل موثر بر مشارکت هستند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که جامعه‌پذیری نقش مهمی در مشارکت سیاسی افراد ایفا می‌نماید به علاوه انگیزه جوانان برای مشارکت سیاسی معمولاً نفع شخصی نیست. کاظم زاده (24) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های شیراز به تبیین پدیده جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان پرداخته است. در این مطالعه پایبندی مذهبی به عنوان یکی از متغیرهای موثر بر جامعه‌پذیری محسوب شده است. سید امامی (31) در پژوهشی تحت عنوان سنجش اشکال و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان و نگرش‌های آنان درباره مشارکت سیاسی در سطح دانشگاه‌های شهر تهران با استفاده از روش پیمایشی و بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و با هدف پاسخ به برخی از سوالات پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، حدود نیمی از دانشجویان به سیاست خیلی یا تا حدودی اظهار علاقه کرده‌اند. رابرت دال (11) تلاش کرد تا پدیده "گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی را تبیین کند. در این خصوص، وی معتقد است که اگر میزان اثر بخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و اگر میزان اثر بخشی سیاسی پایین باشد، بی‌تفاوتی را به ارمغان می‌آورد. به نظر وی، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و بالعکس. دال بر این باور است که کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید و عمل سیاسی خود را بر دیگران انکار کند. به نظر او، در سیاست برخلاف علوم طبیعی، بین نظر علمی و عقاید، یعنی معرفت سیاسی و عقیده سیاسی فاصله‌ای نیست. بنا بر این، آشکار است که عقاید سیاسی همانند نیاز به امنیت و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متاثر می‌سازند. بررسی‌ها نشان داد که در مورد موضوع تحقیق، هنوز تحقیق جامعه‌شناختی در کشور ما انجام نگرفته است و این بررسی شاید مقدمه‌ای برای تحقیقات آتی باشد.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین میزان استفاده از رسانه های اجتماعی و میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- ۳- میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب نوع پایگاه اجتماعی _ اقتصادی آنان متفاوت است.
- ۴- میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد واحد تبریز بر حسب مقطع تحصیلی آنها متفاوت است.
- ۵- میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب وضعیت تاهل آنان متفاوت است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش های کاربردی است. روش تحقیق، پیمایش بود. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود. اعتبار ابزار اندازه گیری از طریق اعتبارصوری تامین گردید. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. میزان آلفا ۰.۷۷ بود. جامعه آماری دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۱۲ دانشکده دارای ۹۷۶۰ دانشجو بود. نمونه آماری، با استفاده از فرمول کوکران ۱۷۴ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری، روش تصادفی طبقه ای متناسب با حجم جامعه بود.

تعریف متغیرها

گرایش به دموکراسی

گرایش ارزشیابی های مثبت و منفی یا احکام ارزشی مطلوب یا نا مطلوب درباره اشیاء، اشخاص و وقایع است. گرایش ها چگونگی احساس هر کسی را نسبت به چیزی نشان می دهند. گرایش، حالت بالقوه ای از رفتار می باشد که فعلیت نیافته و عملی صورت نپذیرفته است لیکن میل و رغبت به این شیوه رفتاری در افراد وجود داشته و در صورت بروز و وجود زمینه مساعد، این میل و رغبت تبدیل به رفتار دموکراتیک خواهد شد. گرایش به دموکراسی طبق چارچوب تئوریک بورديو مانند سایر گرایش های فرد به مثابه بخشی از منش افراد و متاثر از جایگاه آنان در فضای اجتماعی تبیین می شود (7). گرایش به دموکراسی در این تحقیق حاوی دو بعد نگرشی و رفتاری است که بعد نگرشی آن با مؤلفه های مدارای سیاسی، اثربخشی سیاسی و مخالفت با

نگرش های اقتدارگرایی تعریف می شود. بعد رفتاری آن با مؤلفه های مشارکت سیاسی و اعتراض به اقتدارگرایی تعریف می شود. مدارای سیاسی در این پژوهش باگشودگی افراد نسبت به تکرر عقاید سیاسی و در نظر گرفتن حقوق برابر سیاسی برای گروه های سیاسی متفاوت تعریف می شود. اقتدارگرایی سیاسی با مؤلفه های واگذاری امور به نخبگان، قبول خشونت نسبت به مخالفان و بی توجهی به حقوق مدنی فردی تعریف می شود و تعریف پژوهش از اثربخشی سیاسی عبارت از تصور فرد از میزان مؤثر بودن مشارکت سیاسی او در امور جامعه است. مشارکت سیاسی هر نوع فعالیت سیاسی داوطلبانه در رابطه با انتخاب کردن و انتخاب شدن برای پست های سیاسی جامعه و اثرگذاری بر سیاست ها و برنامه های عمومی جامعه تعریف می شود و در نهایت آمادگی رفتاری برای مخالفت با اقتدارگرایی با مؤلفه آمادگی برای اعتراض تعریف شده است. در تحقیق حاضر، ارزش های دموکراتیک در جامعه در سه بعد آزادی، مدارا و مشارکت لحاظ شده است.

الف) آزادی در ابعاد فردی، گروهی و آزادی رسانه ها

ب) مدارا و تساهل در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی، مذهبی و قومی

پ) مشارکت فردی و جمعی

رسانه های اجتماعی

رسانه های گروهی یا وسایل ارتباط جمعی، مجموع فنون، ابزارها و وسایلی را می رساند که از توانایی انتقال پیام های ارتباطی حسی و یا اندیشه ای در یک زمان به شمار بسیاری از افراد و مخصوصا در فواصل زیاد برخوردار می باشند (7). غالبا به وسایلی که ارتباط جمعی از طریق آنها بوقوع می پیوندد اطلاق می شود. رسانه های گروهی شامل، رسانه های چاپی مانند روزنامه، کتاب، مجله، رسانه های الکترونیک مانند رادیو، تلویزیون، اینترنت. میزان استفاده از رادیو، تلویزیون، روزنامه، شبکه های اجتماعی و اینترنت در بر مبنای ساعت و از طریق پرسشنامه در بین پاسخگویان اندازه گیری شد.

پایگاه اجتماعی- اقتصادی

موقعیت اجتماعی و جایگاهی که فرد در گروه یا مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه های دیگر احراز می کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخصی را تعیین می کند. (12). متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی با استفاده از سه معرف منزلت شغلی، میزان

تحصیلات و میزان درآمد مورد سنجش عملیاتی قرار گرفت و پس از آن با ترکیب این معرف ها، شاخص آن در سطح ترتیبی ایجاد شد.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی به دانش، سلیقه و شیوه زندگی مربوط می شود که به فرد اجازه می دهد از طریق آن به منزلت دست یابد. سرمایه فرهنگی بر مبنای نظریه بورديو دو منبع مهم دارد. نخست عادت واره ها در زندگی خانوادگی و دوم تحصیلات. از دیدگاه بورديو تحصیلات از جمله متغیر های بسیار مهمی است که می تواند حتی جانشین عادت واره های خانوادگی شود. زیرا می تواند به فرد سلیقه، ادب و شیوه هایی را بیاموزد که فرد را به منزلت خاصی نزدیک می کند (31). از نظر بورديو سرمایه فرهنگی می تواند به سه شکل وجود داشته باشد: در حالت متجسد، یعنی به شکل خصائل دیرپای فکری و جسمی، در حالت عینیت یافتگی به شکل کالاهای فرهنگی (تصاویر، کتابها، لغت نامه ها، ادوات، ماشین آلات و غیره) که تحقق نظریه ها یا نقد این نظریه ها و غیره است؛ و بالاخره، در حالت نهادینه شده، یعنی شکلی از عینیت یافتگی که باید حسابش را جدا کرد، زیرا خواص اصلی خود را یکسره به سرمایه فرهنگی، که بنا به فرض ضمانت کننده آن است، واگذار می کند (9). سرمایه فرهنگی دارای سه بعد است :

الف) بعد ذهنی : می توان اکثر ویژگی های سرمایه فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه فرهنگی با شخصی که در آن تجسم می یابد ارتباط نزدیک دارد. سرمایه تجسم یافته نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی ناپذیری از فرد در آمده است. این همان بخشی است که بورديو آن را بعد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می نامد که نمی توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگر منتقل نمود. این نوع سرمایه به صورت آمادگی های مداوم ذهنی و جسمی تجلی می یابد. بر اساس نظریه بورديو و با استفاده از تحقیقات پیشین برای بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی، فضای فرهنگی خانواده فرد پاسخگو و تمایلات و گرایش های آنها نسبت به مصرف کالاهای فرهنگی در نظر گرفته شده است.

ب) بعد عینی : بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی اشاره به میزان مصرف کالاهای فرهنگی توسط خود پاسخگو دارد.

تعداد	کمیته	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	
۱۷۴	۲	۵	۳/۵۳	۰/۵۳	میزان استفاده از فضای مجازی
۱۷۴	۱/۹۱	۴/۹۱	۳/۶۳	۰/۷۱	میزان سرمایه فرهنگی
۱۷۴	۲/۲۹	۴/۷۹	۳/۶۷	۰/۵۴	میزان گرایش به دموکراسی

ج) بعد نهادی : بعد نهادی سرمایه فرهنگی اشاره به مدارک و مدارج تحصیلی و عملی - فرهنگی فرد و همچنین توانایی های هنری و عملی بالفعل فرد دارد.

یافته های توصیفی

جدول ۱. متغیرهای میزان استفاده از فضای مجازی، میزان سرمایه فرهنگی، میزان گرایش به دموکراسی

میانگین میزان استفاده از فضای مجازی ۳/۵۳، میانگین میزان سرمایه فرهنگی ۳/۶۳ و میانگین میزان گرایش به دموکراسی برابر ۳/۶۷ می باشد.

جدول ۲. متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی

فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی	
۳	۱/۷	۱/۷	پایین
۷۷	۴۴/۳	۴۶	متوسط
۹۴	۵۴	۱۰۰	بالا
۱۷۴	۱۰۰		کل

با توجه به اطلاعات جدول زیر، از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی، ۱/۷ در سطح پایین، ۴۴/۳ درصد متوسط و ۵۴ درصد در سطح بالا هستند.

متغیر میزان تحصیلات :

جدول ۲. متغیر تحصیلات

مقطع	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کارشناسی	۱۱۱	۶۳/۸	۶۳/۸
کارشناسی ارشد	۵۲	۲۹/۹	۹۳/۷
دکتری	۱۱	۶/۳	۱۰۰
کل	۱۷۴	۱۰۰	

بر اساس جدول بالا ۱۱۱ نفر معادل ۶۳/۸ درصد پاسخ دهندگان در مقطع کارشناسی، ۵۲ نفر معادل ۲۹/۷ درصد پاسخ دهندگان در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر معادل ۶/۳ درصد از افراد نمونه در مقطع دکتری در حال تحصیل می باشند.

جدول ۳. متغیر تاهل

فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
مجرد	۱۰۵	۶۰/۳
متاهل	۶۹	۳۹/۷
کل	۱۷۴	۱۰۰

جدول ۶ نشان می دهد که ۱۰۵ نفر معادل ۶۰/۳ درصد پاسخ دهندگان مجرد و ۶۹ نفر معادل ۳۹/۷ درصد پاسخ دهندگان متاهل می باشند.

آزمون فرضیه ها

۱- بین میزان استفاده از رسانه های اجتماعی و میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد تبریز رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر گرایش به دموکراسی و میزان استفاده از رسانه های اجتماعی ۰/۵۸۹ می باشد که نشان دهنده یک رابطه مستقیم و

مثبت می باشد. چون $0/025$ بیشتر از معنی داری (p_value) است، فرض صفر مبنی بر عدم رابطه خطی بین گرایش به دمکراسی و میزان استفاده از رسانه های اجتماعی رد می شود، هرچقدر گرایش به میزان استفاده از رسانه های اجتماعی بیشتر باشد، میزان گرایش به دمکراسی نیز در بین دانشجویان دختر بیشتر می باشد.

جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی پیرسون

میزان سرمایه فرهنگی		
گرایش به دمکراسی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۸۹
	معناداری آزمون	۰/۰۰۱
	تعداد	۱۷۴

۲- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد واحد تبریز رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر گرایش به دمکراسی و میزان سرمایه فرهنگی $0/637$ می باشد که نشان دهنده یک رابطه مستقیم و مثبت می باشد. چون $0/025$ بیشتر از معنی داری (p_value) است، فرض صفر مبنی بر عدم رابطه خطی بین گرایش به دمکراسی و میزان سرمایه فرهنگی رد می شود، هر چقدر سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دختر بیشتر باشد میزان گرایش به دمکراسی بیشتر می باشد.

جدول ۵. آزمون ضریب همبستگی پیرسون

میزان استفاده از رسانه های اجتماعی		
گرایش به دمکراسی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۳۷
	معناداری آزمون	۰/۰۰۱
	تعداد	۱۷۴

۳- میزان گرایش به دموکراسی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد واحد تبریز بر حسب نوع پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنها متفاوت است.

با توجه به اطلاعات جدول ذیل چون $0/025$ (خطای نوع اول) از معنی داری $0/688$ کمتر است، دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر یکسان بودن میانگین گرایش به دموکراسی بر حسب نوع پایگاه اجتماعی نداریم. به عبارت دیگر میانگین متغیر گرایش به دموکراسی برای تمام سطوح پایگاه اجتماعی - اقتصادی یکسان است.

جدول ۶. مقایسه متغیر گرایش به دموکراسی بر اساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی

در بین دانشجویان دختر					
معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
$0/688$	$0/493$	$0/147$	۳	$0/442$	بین گروهی
		$0/229$	۱۷۰	$50/816$	درون گروهی
			۱۷۳	$51/258$	کل

۴- میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد واحد تبریز بر حسب مقطع تحصیلی آنها متفاوت است.

با توجه به اطلاعات جدول ذیل چون $0/025$ (خطای نوع اول) از معنی داری $0/258$ کمتر است، دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر یکسان بودن میانگین گرایش به دموکراسی بر اساس مقطع تحصیلی نداریم. به عبارت دیگر میانگین متغیر گرایش به دموکراسی برای همه مقاطع تحصیلی یکسان است.

جدول ۷. مقایسه متغیر گرایش به دموکراسی بر اساس مقطع تحصیلی

در بین دانشجویان دختر					
معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
$0/258$	$1/366$	۴۰۳	۲	$0/806$	بین گروهی
		۲۹۵	۱۷۱	$50/452$	درون گروهی
			۱۷۳	$258/258$	کل

۵- میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب وضعیت تاهل آنان متفاوت است.

در جدول زیر نخست آماره‌های توصیفی متغیر گرایش به دموکراسی در بین دو گروه مجرد و متاهل آورده شده است. در جدول دوم آزمون لون برای بررسی یکسان بودن واریانس متغیر گرایش به دموکراسی برای دو رده متاهل و مجرد آورده شده است با عنایت به اینکه $0/025$ (خطای نوع اول) کمتر از معنی داری که $0/382$ است، می باشد دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر یکسان بودن واریانس گرایش به دموکراسی برای دو گروه متاهل و مجرد وجود ندارد. با توجه به اینکه در هر دو حالت (با فرض برابری واریانس و عدم برابری واریانس) $0/025$ (خطای نوع اول) بیشتر از معنی داری برای هر دو حالت است، فرض تحقیق مبنی بر یکسان بودن میانگین متغیر گرایش به دموکراسی برای دو گروه مجرد و متاهل بر اساس این نمونه پذیرفته می شود، به عبارت دیگر گرایش به دموکراسی برای دو گروه مجرد و متاهل متفاوت می باشد. میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان مجرد اندکی بیش از دانشجویان متاهل است.

جدول ۸. آماره های توصیفی متغیر گرایش به دموکراسی بر اساس وضعیت تاهل

تاهل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
مجرد	۲۱۹	۳/۷۸	۰/۵۱	۰/۳۴
متاهل	۱۵۵	۳/۶۵	۰/۵۲	۰/۴۳

جدول ۹. آزمون تی استیودنت

آزمون لون	بازه اطمینان ۹۵ درصدی برای اختلاف میانگین ها		
	$\frac{\bar{X}_1 - \bar{X}_2}{\sqrt{\frac{s_p^2}{n_1} + \frac{s_p^2}{n_2}}}$	$\frac{\bar{X}_1 - \bar{X}_2}{s_p \sqrt{\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}}}$	$\frac{\bar{X}_1 - \bar{X}_2}{\sqrt{\frac{s_p^2}{n_1} + \frac{s_p^2}{n_2}}}$
F	معنی داری		
۰/۷۶۶	۰/۳۸۲	۲/۴۲	۳۷۲
			۰/۰۱۶
			۰/۰۲۴۵۱
			۰/۰۲۳۶۵
			۰/۰۱۷
			۰/۰۲۳۴۷
			۰/۰۲۳۷۵
			۳۲۰/۴۸
			۲/۳۹

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه برخی عوامل اجتماعی و فردی مرتبط با میزان گرایش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به دموکراسی بود. نوع پژوهش، کاربردی، روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. اعتبار ابزار اندازه گیری از طریق اعتبارصوری و پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین شد. جامعه آماری دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۱۲ دانشکده و دارای ۹۷۶۰ دانشجو بود. نمونه آماری، با استفاده از فرمول کوکران ۱۷۴ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری، روش تصادفی طبقه ای متناسب با حجم جامعه بود. با توجه به اطلاعات به دست آمده، هرچقدر گرایش به میزان استفاده از رسانه های اجتماعی بیشتر باشد، میزان گرایش به دموکراسی نیز در بین دانشجویان دختر بیشتر می باشد. هر چقدر سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دختر بیشتر باشد میزان گرایش به دموکراسی بیشتر می باشد. میانگین گرایش به دموکراسی برای تمام سطوح پایگاه اجتماعی - اقتصادی یکسان بود. میانگین گرایش به دموکراسی برای همه مقاطع تحصیلی یکسان بدست آمد. نیز گرایش به دموکراسی برای دو گروه مجرد و متاهل متفاوت بود. میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان مجرد اندکی بیش از دانشجویان متاهل بود. در تبیین یافته های این بررسی باید گفت، گرایش به دموکراسی طبق نظریه بورديو مانند سایر گرایش های فرد به مثابه بخشی از منش افراد و متاثر از جایگاه آنان در فضای اجتماعی تبیین می شود. انسان ها همواره در فضای اجتماعی چند بعدی قرار دارند که عمدتاً بر مبنای موقعیت و طبقه اجتماعی شان تعریف شده است. همچنین به نظر هومنز، هر رفتاری که پاداش بیشتری را برای فرد به دنبال داشته باشد یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست، احتمالاً وقوع آن بیشتر است، زیرا فرد از یک سو در جستجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی پائین ترین هزینه هاست. بنابراین گرایش سیاسی افراد و دانشجویان به کسب حداکثر سود (پاداش) و کمترین هزینه (مجازات) بستگی دارد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسنده مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

References

- 1-Abdollahi, Mohammad (2006) Collective Identity and Attitudes Toward Democracy in Iran, Iranian Journal of Sociology, No. 4, pp. 3-27.

2-Alam, Abdolrahman (2006) Foundations of Political Science, Tehran: Ney Publishing

3-Allah Dadi, Nur al-Din; Saadat Mehr, Massoud. (2010) The relationship between socio-cultural factors and the credibility of democracy. Social Welfare Quarterly, No. 43, pp. 891-831

4-Almond, Gabriel A. & Verba, Sidney (1963) The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations, Princeton University Press, USA

5-Bashirieh, Hossein (2003) Teaching Political Science, Third Edition, Tehran, Negah Moaser Publications

6-Bashirieh, Hossein, (2005) Lessons of Democracy for All, Tehran, Negah Moaser Publications

7- Biro, Alan, Culture of Social Sciences (1987), translated by Bagher Sarokhani, first edition, Tehran, Kayhan Publishing House

8-Bourdieu, Pierre (2002) Theory of action, practical reasons and rational choice, translated by Morteza Marvi, Tehran, Naghsh-o-Negar Publications.

9-Bourdieu, Pierre (2005) Forms of Capital in Social Capital, translated by Khakbaz and Pouyan, Second Edition, Tehran, Shirazeh Publishing.

10-Bourdieu, Pierre (1984), *Distinction: A Social Critique of Judgement of Taste*, Cambridge

11-Bukharai, Ahmad (2002), Democracy and Enemies in Iran, Tehran, Gam No Publications

12- Cohen, Bruce (2013), Introduction to Sociology, translated by: Mohsen Talasi, Tehran, Totia Publishing

13-Dahl, Robert (2010) On Democracy, translated by Firooz Salarian, Tehran, Cheshmeh Publishing

14-Dahl, Robert A (1982): Polyarchy; Participation and Opposition, London: University Press.

15-Emami, Seyed Kavous and Montazeri Moghadam, Reza (2012) The Role of Trust Culture and the Performance of Political Institutions in Building Political Trust: A Survey of Tehran University Students, Journal of Political Science, No. 28

16-Fazeli, Mohammad and Kalantari, Mitra (2012) The Democratic Values of Generations, Iranian Journal of Sociology, Volume 13, Number 1 and 2, 84-108

- 17-Fazeli, Mohammad; Kalantari, Mitra (2012) Democratic values of generations. Iranian Journal of Sociology. Volume 13, Number 1 and 2, pp. 13-33
- 18-Ghaffari, Gholamreza and Niazi, Mohsen (2007), Sociology of Participation, First Edition, Close Publication
- 19-Habermas, Jurgen (2001), Three Normative Models of Democracy, Theorise of Democracy, Terchek, Oxford.
- 20-Habermas, Jürgen, (2005) Structural Transformation of the Public Sphere, An Exploration of Bourgeois Society, translated by Jamal Mohammadi, Tehran: Afkar Publishing
- 21-Hell De, David (1999) Models of Democracy, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Women's Studies Publications
- 22-Hulab, Robert, (2004) Jürgen Habermas, A Critique in the Public Sphere, translated by Hossein Bashariyeh, third edition, Tehran: Ney Publishing
- 23-Huntington, Samuel (1991) Political order in societies undergoing change, translated by Mohsen Thalasi, Tehran, Alam Publishing
- 24-Huntington, Samuel (2000) Understanding Political Development, Institute for Strategic Studies Publications, First Edition
- 25-Iman, Mohammad Taghi and Moghaddas, Ali Asghar (2002) A Study of Factors Affecting the Political Participation of Study Youth in Shiraz, Journal of Mashhad Faculty of Literature and Humanities, Volume 35, Number 3 and 4, Year 35
- 26-Kazemzadeh, Hassan (2003) Sociological study of factors affecting the political socialization of Shiraz students, Master Thesis, Faculty of Social Sciences, Shiraz University.
- 27-Khajeh Sarvi, Gholamreza (1999) Political Socialization in the Young Generation, Quarterly Journal of Strategic Studies, Nos. 5 and 6, Fall and Winter 1999
- 28-Khajeh Sarvi, Gholamreza (2015) Factors Affecting the Political Socialization of Iranian Public University Students ", Institute of Humanities and Cultural Studies, Year 6, Issue 4
- 29-Mannheim, Carl (2006) The Democratization of Culture, translated by Parviz Jalaei, Second Edition, Tehran: Ney Publishing
- 30 -McPherson, CB (2004) The Three Faces of Democracy, translated by Majid Madadi, Tehran: Another publication

31- Mumtaz, Farideh (2016), the concept of class from Bourdieu's point of view, Research Journal of Humanities, 2016, No. 32

32-Rush, Michael (2009) Society and Politics, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samat Publishing, eighth edition.

33-Sabzipour, Hamed (2008) Political Socialization, Social Sciences Development Monthly, Volume 11, Number 4, Summer

34-Saiedemami, Eftekhari and Abdullah (2006) Values, Attitudes and Political Behavior of Youth, Research Project Report, National Youth Organization

35-Seidman, Steven (2007) Conflict of Opinions in Sociology, translated by Hadi Jalili, Second Edition, Tehran: Nashr-e Ney

36-Seifzadeh, Hossein (1994) Passive participation and the reasons for its continuation, Journal of the Faculty of Law and Political Science, No. 31, December

37-Seifzadeh, Hossein, (1995) Transformation from Passive Participation to Active Participation, Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Fourth Year, No. 5

38-Tavassoli, Gholamabbas (2007) Sociological Theories, Tehran, Samat Publications

39-Zolfaghari, Abolfazl (2008) The effect of the position of individuals on their tendency to the values of democracy, Social Research Quarterly, No. 5, Volume 2

40-Zolfaghari, Abolfazl (2009) The relationship between different types of religiosity and attitudes toward democratic values among students. PhD Thesis in Sociology. Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University

Tendency to Democracy and Its Relationship with Religiosity and Family Type: A Survey among Students of Islamic Azad University of Tabriz

*Javad Ali Akbarpour*¹

*Mahmoud Elmi*²

*Samad Abedeni*³

The main purpose of this study was to determine the relationship between some social and individual factors related to the tendency of students of the Islamic Azad University of Tabriz to democracy. The type of research was applied, the research method was survey and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The validity of the measurement tool was determined through the face validity and reliability of the instrument using Cronbach's alpha. The statistical population of students was Islamic Azad University of Tabriz with 12 faculties and had 20100 thousand students. The sample size was determined using Cochran's formula of 377 people. The sampling method was stratified randomly proportional to the size of the population. According to the information obtained, Pearson correlation coefficient between the variables of tendency to democracy and religiosity is 0.65, which indicates a direct and positive relationship. Also, according to the test result, the average of the variable of tendency towards democracy varies according to the type of family. The tendency towards democracy is slightly higher among single students than among married students. Based on the findings, the tendency of students of Islamic Azad University of Tabriz to democracy varies according to the job status of students. There is a need to create the conditions for the creation and expansion of civil society organizations and non-governmental organizations in order for students to participate in political activities.

Keywords: Tendency to democracy, religiosity, family type, students of Islamic Azad University of Tabriz

1. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. - Department of Sociology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author) elmim@iaut.ac.ir

3. Department of Sociology, KHalkhal Branch, Islamic Azad University, KHalkhal, Iran